

فضای نزول؛ مبانی و پیش فرض‌ها

تاریخ دریافت: ۹۲/۸/۱۲ تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۰/۲۶

جواد سلمان زاده؛ کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث

چکیده

فضای نزول به عنوان یک اصطلاح قرآنی زیر شاخه‌ای از موضوع شأن نزول است که به فضای جامعه نزول در طول نزول یک واحد یا بسته نزول گفته می‌شود. این نوشتار بر آن است با شناسایی و اثبات مبانی فضای نزول، موجودیت و حقانیت این موضوع را ثابت کند. کلیدواژه‌ها: مبانی، فضای نزول، واحد نزول.



۱. تعریف مبانی

مبانی جمع واژه مبنا است که در دانش لغت به بنیاد، شالوده، بنیان، اساس، ابتدا، اول و پایه معنا شده است.^۱ بنابراین به پی و ریشه هر چیز مبنا می‌گویند. در دانش ادبیات نیز به حروف که پی و پایه تشکیل اسم و فعل است؛ مبانی گفته می‌شود. طبق این معنا، برخی مفسران، حروف مقطعه قرآن را سوگند خداوند به حروف می‌دانند؛ زیرا این حروف از جایگاه والایی برخوردارند و همه کتب الهی، اسماء و صفات خداوند و همه سخن بشریت از همین حروف ساخته می‌شوند.^۲

اصطلاح مبانی در دانش تفسیر به پیش فرض‌های بنیادین^۳ تعریف شده است که پایه، بستر و ساحت‌های زیرین این دانش به شمار می‌رود.^۴ از این رو در موضوع فضای نزول، هر گزاره‌ای که بتواند موجودیت و حقانیت این موضوع را نشان بدهد، به عنوان مبنا فضای نزول تلقی می‌شود.

۲. تعریف فضای نزول

فضای نزول اصطلاحی قرآنی است که به اوضاع و شرایط جامعه نزول در طول نزول یک واحد و بسته نزول گفته می‌شود و از آنجا که هر واحد و بسته نزول قرآن با زبان ویژه خود، نشانگر و نمایش دهنده اوضاع جامعه نزول است؛ می‌توان با دقت و بررسی در آیات آن واحد نزول و اخبار و روایات، بدان دست پیدا کرد و شیوه رویارویی قرآن با آن فضا را دست مایه و الگویی

برای ترویج و تبلیغ دین قرار داد. کشف فضای نزول بر پایه تعامل و ارتباط فعال و سازنده قرآن با جامعه نزول، می‌تواند چندی از حقایق و ناگفته‌های قرآنی، تاریخی، فرهنگی، مدیریتی و ... را روشن سازد و گره از کار برخی ابهامات و سردرگمی‌های تفسیری و علمی بگشاید.

۳. مبانی فضای نزول و اثبات آنها

۳-۱. مبانی فضای نزول

از آنچه گذشت در می‌یابیم که مبانی هر نظریه یا موضوعی به گزاره‌های زیرساختی و پایه‌ای آن نظریه یا موضوع گفته می‌شود که امکان مطالعه و پژوهش در آن را فراهم می‌سازد. به گونه‌ای که پیش از اثبات این گزاره‌های زیرساختی، امکان ورود علمی و عقلی به آن موضوع و نظریه و امکان مطالعه و پژوهش در آن وجود ندارد. از این رو مبانی فضای نزول به آن گزاره‌هایی گفته می‌شود که موجودیت آن را در ساحت علم و دانش اعلام می‌کنند و امکان مطالعه و بررسی در آن را فراهم می‌سازند. بنابراین ما در این بخش گزاره‌هایی را مطرح و ثابت می‌کنیم که امکان وجود و کشف فضای نزول سور قرآن را نشان می‌دهند. این مبانی عبارتند از:

۳-۱-۱. نزول تدریجی قرآن

۳-۱-۲. زبان عرفی قرآن

۳-۱-۳. ارتباط و پیوستگی معنادار سوره و برخورداری آن از وحدت غرض

۳-۱-۴. امکان کشف ترتیب نزول سور

۳-۱-۵. امکان تاریخ گذاری سور

۳-۲. اثبات مبانی فضای نزول

۳-۲-۱. نزول تدریجی قرآن

از مباحث و موضوعات محوری در زمینه علوم قرآن، کیفیت نزول قرآن است که به دو شکل دفعی و تدریجی صورت گرفته است. این موضوع در کتب علوم قرآنی به شکلی مبسوط و درازدامن مطرح شده و دلایل و مدارک قرآنی، روایی و عقلی هر دو شکل نزول نشان داده شده

است. این دو نظریه هر دو قابلیت پذیرش دارد با این تحلیل که مراد از نزول دفعی قرآن، نزول محتوا و مفهوم قرآن بر آسمان دنیا یا قلب پیامبر و مراد از نزول تدریجی، نزول اندک اندک و پاره پاره الفاظ قرآن بر ذهن و زبان پیامبر است که پیامبر آن را بر مردم تلاوت می‌کرده‌اند. فلسفه نزول تدریجی قرآن، به دو عنصر پیامبر صلی الله علیه وآله و مردم بر می‌گردد:

الف) پیامبر صلی الله علیه وآله: نزول قرآن از عالم بالا به واسطه موجودی مجرد به نام جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه وآله با زحمت و دشواری زیادی همراه بود به گونه‌ای که در روایات نقل شده است که چهره و رنگ پیامبر هنگام دریافت وحی تغییر می‌کرد و گاه از هوش می‌رفتند.^۵ گذشته از این، حفظ قرآن توسط پیامبر صلی الله علیه وآله جهت تبلیغ آن به مردم عامل دیگری است که تدریجی بودن نزول قرآن را ضروری می‌نماید. آیه ﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلاً﴾ (فرقان: ۳۲) به روشنی فلسفه تدریجی بودن نزول قرآن را در تثبیت قلب پیامبر و استوارسازی ایشان اعلام می‌کند. این آیه پاسخ به اعتراض و اشکالی بود که از سوی کافران جامعه نزول به سوی پیامبر روانه شده بود. آنها معترض بودند که چرا قرآن مانند دیگر کتب الهی چون تورات، انجیل و زبور به صورت یکباره و یکجا نازل نمی‌شود؛ ولی این اعتراض آنها پذیرفته نبود؛ زیرا آنها به تورات، انجیل یا زبور ایمان نیاورده بودند با اینکه نزول آنها یکباره و یکجا بوده است.^۶ از این رو خداوند این بهانه کافران را این گونه پاسخ می‌دهد که ما قرآن را تدریجی و کم کم نازل می‌کنیم تا معارف آن به تدریج در قلب تو نفوذ کند و تو بر رسالت خود استوار و پایدار بمانی. بنابراین یکی از عناصر تأثیرگذار در نزول تدریجی قرآن شخص پیامبر است.

ب) مردم: قرآن به عنوان کاملترین کتاب هدایت مردم بر پیامبر نازل شد. ارتباط جنبه هدایتی قرآن با مردم، نزول تدریجی آن را لازم و ضروری می‌سازد؛ زیرا هدایت پدیده‌ای تدریجی و گام به گام است که باید با شرایط و ظرفیت مخاطب هماهنگ باشد. از این رو آیات و سوره‌های قرآن متناسب با اوضاع و شرایط جامعه نزول نازل می‌شده‌اند و سیاستهای خود را در قالب

راهبردهایی متناسب با آن جامعه پیاده می‌کرده است. این اوضاع و شرایط جامعه نزول در هر سوره، فضای نزول آن سوره گفته می‌شود که به صورت کلی در هر سوره یا واحد نزول تصویر و ترسیم شده است. پس فضای نزول سوره از عوامل نزول تدریجی قرآن در قالب سوره و واحد نزول ناشی می‌شود. آیه ﴿بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (نحل: ۴۴) علت نزول تدریجی قرآن را تبیین آن برای مردم می‌شمارد و از آنجا که تبیین یک معنا نیازمند فرصت و زمان است؛ قرآن به صورت تدریجی نازل شده است تا بتواند به هدف هدایتی خود برسد و با نزول دفعی و یکباره قرآن، دیگر امکان تبیین آیات برای مردم وجود نداشت و انتظار فهم آیات و عمل به آنها از سوی مردم، انتظاری دور از واقعیت می‌نمود. از این رو آیه ﴿وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْتٍ وَنُزْلَاهُ تَنْزِيلًا﴾ (اسراء: ۱۰۶) هدف از نزول تدریجی قرآن را قرائت تدریجی آن بر مردم می‌داند تا مردم آن را بخوانند، بفهمند و دستورات آن را در زندگی به کار گیرند. همچنین آیه ﴿وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا﴾ (فرقان: ۳۳) که در ادامه آیات مربوط به شخص پیامبر آمده است؛ نشانگر همین حقیقت است که تدریجی بودن نزول قرآن از آن روست تا پیامبر بتواند آن را به بهترین گونه برای مردم تبیین و تفسیر کند و جلوی گفته‌ها و امثال نادرست رایج در جامعه را بگیرد.^۷

بنابراین نزول تدریجی قرآن بنا بر دلالت آیات و روایات و گزارش تاریخی، به صورت دسته‌ای و بسته‌ای بوده است؛ به گونه‌ای که دسته‌ای از آیات که غالباً در قالب یک سوره بوده است؛^۸ جهت هدایت و تربیت مردم نازل می‌شده است. کمیت و حجم این بسته‌های نزول به اقتضای فضا و شرایط جامعه متفاوت و گوناگون بوده است. از این رو پدیده نزول تدریجی قرآن، نشان دهنده ارتباط و تعامل فعال قرآن با جامعه نزول بود که برنامه‌های خویش را متناسب با شرایط جامعه، طراحی و اجرا می‌کرده است.

نصر حامد ابوزید در «مفهوم النص» نزول تدریجی قرآن را نشانه همراهی و همگامی قرآن با جامعه نزول می‌شمارد تا از این طریق بتواند اندک اندک و کم کم، عرب جاهلی را از پلیدی‌های جاهلیت برهاند و لباس اسلام را بر تنش بیوشاند.^۹

این مفهوم در روایتی از ابن عباس اینگونه رسیده است:

عن ابن عباس أنه قرأ وقرأنا فرقناه مثقلا قال نزل القرآن إلى السماء الدنيا في ليلة القدر من رمضان جملة واحدة فكان المشركون إذا أحدثوا شيئا أحدث الله لهم جوابا ففرقه الله في عشرين سنة.^{۱۰}

روایت ابن عباس چرایی نزول تدریجی قرآن را در ارتباط و تعامل قرآن با جامعه نزولش یافته است. بدین صورت که هر گاه مشرکان، حادثه و اتفاقی می‌آفریدند، خداوند در مقام پاسخ‌گویی، دفاع یا رد آن، آیاتی را جهت راهنمایی و هدایت آنها نازل می‌کرد. ناگفته نماند که مراد از مشرکان در این روایت، تنها گروه مشرکان نبوده است. بلکه به نظر می‌رسد مشرکان در این جا نماد و نشانه‌ای از جامعه نزول باشد؛ چرا که آیات قرآن ناظر به تمام جامعه نزول و جوامع بعدی بوده و محدود به مشرکان نیست. پس با توجه به کیفیت نزول تدریجی قرآن ناشی از تعامل و نظارت قرآن با جامعه نزول، توجه به فضای نزول هر سوره اهمیت و ضرورت می‌یابد. تا جایی که توجه بدان می‌تواند تفسیری درست، دقیق و زنده از سوره به دست دهد و تصویری کلی از جامعه نزول و برخورد آن جامعه با دین جدید اسلام، شخص پیامبر و کتاب قرآن ارائه دهد. شایان گفتن است که تنها در سایه توجه به پدیده فضای نزول، می‌توان تصویری یک دست از هر سوره قرآن ارائه داد و در پی آن نمایی قرآنی از جامعه نزول به تماشا گذاشت.

۳-۲-۲. زبان عرفی قرآن

قرآن به زبان جامعه نزول بر پیامبر نازل یافته است بدین معنا که به زبان عرفی قوم پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله - یعنی مردم حجاز عهد آن حضرت - نازل شده است و بر این اساس باید در بیان مقاصد از الفاظ و تعابیر آنان بهره گرفته و از قواعد دستور زبان پیروی کرده باشد؛ نه آن که با الفاظ و تعابیر جدید یا در قالب قواعد جدیدی سخن گفته باشد^{۱۱} و همانگونه که در سخن گفتن باید فضا یعنی شرایط روحی مکانی و زمانی مخاطب رعایت شود و به ویژگی‌های مخاطبان با سطوح گوناگون توجه شود،^{۱۲} قرآن نیز به عنوان بلیغ‌ترین و فصیح‌ترین سخن، بدین

قاعده توجه داشته است و خداوند شرایط زمان و مکان نزول و اوضاع و احوال مخاطبان را در کیفیت و کمیت نزول قرآن لحاظ کرده است. عرفی بودن زبان قرآن مشخصات و شناسه‌هایی دارد که به اجمال بدان‌ها اشاره می‌شود:

الف) بهره‌گیری قرآن از واژگان موجود در عصر نزول با همان معانی رایج:^{۱۳} توجه و همراهی قرآن در الفاظ و معانی با جامعه نزول، همراهی قرآن با جنبه زبانی فضای نزول را به دنبال دارد.

۱۷



ب) بهره‌گیری قرآن از تعابیر مجازی، ضرب‌المثل‌ها، تشبیهات و دیگر صناعات ادبی رایج در جامعه نزول:^{۱۴} بسیاری از تعابیر و صناعات ادبی قرآن برگرفته از زبان رایج میان اعراب جامعه نزول بوده است. بگونه‌ای که مردم جامعه نزول در فهم تعابیر ادبی پیچیده قرآن مشکلی نداشته‌اند و به آسانی آن را فهم می‌کردند. از این رو در تاریخ بیست و سه ساله نزول قرآن به ندرت مواردی گزارش شده است که حتی اعراب بی‌سواد از فهم تعابیر ادبی قرآن ناتوان بوده‌اند و برای فهم اولیه آن به دیگری رجوع می‌کردند.

ج) هماهنگی خصوصیات زبانی شناسی زبان قرآن با خصوصیات زبانی عربی رایج در جامعه نزول:^{۱۵} زبان به عنوان پدیده‌ای زنده و پویا دارای ویژگی‌ها، مؤلفه‌ها و عناصر ویژه‌ای است که قلمرو و چارچوب آن را مشخص می‌کنند و آن را از دیگر پدیده‌ها متمایز و جدا می‌سازد. بخشی از این ویژگی‌ها مربوط به بعد زبانی شناسی زبان است که مهمترین بخش زبان را همین ویژگی‌ها شکل می‌دهند. قرآن بدین ویژگی‌ها و خصوصیات توجه داشته است و ویژگی‌های زبان شناختی زبان رایج در جامعه نزول را رعایت کرده است. نمونه را می‌توان به ویژگی زبان عربی در استخدام معانی نارایج برای واژگان و عبارات عربی اشاره کرد که به همراه قرینه و نشانه بوده است. از این رو قرآن بدین ویژگی توجه داشته است و چنانچه معنای نارایجی را

برای واژه یا عبارتی قصد می‌کرده است، قرینه و نشانه‌ای بجا می‌گذاشته است تا مخاطب معنای مقصود را دریابد.

بی‌گمان توجه به جامعه نزول قرآن و عدم اعتراض نخستین مخاطبان قرآن به دشواری زبان قرآن یا تفاوت آن با زبان مرسوم جامعه عرب این گزاره را اثبات خواهد کرد که قرآن در گزینش واژگان، عبارات، اصطلاحات، صنایع و آرایه‌های زبانی خود به همان شکل مرسوم زبان جامعه نزول رفتار کرده است تا مخاطبان در فهم نخستین قرآن دچار سردرگمی یا دوگانگی نشوند. بنابراین اعجاز زبانی قرآن به پدیده‌ای فراتر از گزینش واژگان و عبارات بر می‌گردد. عرفی بودن زبان قرآن بدین معنا از چند راه قابل اثبات است:

۱-۲-۳. عقلی: قرآن کتابی است که جهت هدایت و راهنمایی انسان نازل شده است که بنا بر شرایطی در منطقه حجاز و به زبان مردم آن منطقه نازل گشته است. نزول قرآن بر مردم عرب زبان حجاز، مستلزم عربی بودن قرآن و هماهنگی زبانی آن با مخاطب نخستین‌اش است در غیر این صورت مخاطب سخن را نمی‌فهمد و مقصود هدایت حاصل نخواهد شد. از سوی دیگر تناسب با حال مخاطبان و اوضاع زمانی و مکانی، اقتضای سخن فصیح و بلیغ است. از آنجا که قرآن پیش و بیش از همه وجوه اعجاز آن، معجزه‌ای زبانی و بیانی است لازم است تا همه شاخص‌ها و استانداردهای یک کلام فصیح و بلیغ را دارا باشد.

سخن فصیح و بلیغ امتیازات و ویژگیهایی دارد که آن را از دیگر سخن‌ها متمایز و جدا می‌کند. برخی از این ویژگی‌ها که صنایع لفظی و معنوی نامیده می‌شوند؛ عبارتند از: مجاز، استعاره، تشبیه، کنایه، ارادف، تمثیل، ایجاز، اتّساع، اشاره، مساوات، بسط، ایغال، تتمیم، تکمیل، احتراس، استقصار، تزییل، زیاده، تردید، تکرار، تفسیر، ایضاح، نفی شیء با ایجاب آن، مذهب کلامی، سخن با موجب گفتن، مناقصه، انتقال، اسجال، تسلیم، تمکین، توشیح، تسهیم، ردّ العجز الی الصّدر، تشابه الاطراف، لزوم ما لا یلزم، تخییر، تسجیع، تسریع، ایهام، استخدام، التفات، اطّراد، انسجام، ادماج، افتنان، اقتدار، اثتلاف لفظ با لفظ، اثتلاف لفظ با معنی، استدراک، استثناء، تأکید

مدح یا چیزی که شبیه ذم است، تفویف، تغایر، تقسیم، تدبیح، تنکیت، تضمین، جناس، جمع مؤتلف و مختلف، حسن نسق، عتاب شخص نسبت به خویش، عکس، عنوان، فواید، قسم، مبالغه و مطابقه، مقابله و مؤاربه، مراجعه، نزاهت، ابداع، مقارنه، حسن ابتداء، حسن ختام، حسن تخلص و استطراد.^{۱۶} از مهمترین شاخصهای معنوی سخن بلیغ، رعایت حال مخاطب و شرایط زمانه است و این اهمیت تا جایی است که گاه در تعریف فصاحت و بلاغت بدان توجه شده است. زبان شناسان فصاحت و بلاغت را اینگونه تعریف کرده‌اند:

فصاحت یعنی روشنی و فصیح، کسی را گویند که گفتارها و عبارات او درهم و پیچیده و موجب نفرت روحی نباشد و به مقتضای مقام خطاب، مطلبی را واضح و روشن بیان کند.

بلاغت یعنی رسایی و بلیغ، کسی را گویند که مطابق با مقتضای حال مخاطب، مطالب را با حفظ فصاحت به طریق مختلف بیان نماید.^{۱۷} بنابراین توجه به حال و شرایط مخاطب از شاخصه‌های سخن بلیغ و فصیح است تا آنجا که می‌تواند سخن متکلم بلیغ و فصیح را تحت تأثیر قرار دهد و متکلم را وادار کند تا کلامش را به گونه‌ای خاص بیاورد.^{۱۸}

نمونه را می‌توان به آیات ﴿لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ فَإِذَا قَرَأَهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ﴾ (قیامه: ۱۶-۱۹) در سوره قیامت اشاره کرد که بعد از آیات مربوط به اوصاف قیامت و اوضاع انسان در آن روز آمده است. ولی در موضوع و سیاقی متفاوت از آنها نازل شده است. به گونه‌ای که در نگاه اول نمی‌توان به ارتباط آنها با آیات پیشین پی برد؛ ولی با توجه به سبب نزول آیات در می‌یابیم که این آیات ناظر به وضعیت شخص پیامبر هنگام نزول آیات سوره بوده است. پیامبر هنگام نزول این آیات، زبان خود را می‌چرخاند تا آیات را حفظ کند و خداوند ناظر به این حالت پیامبر، این آیات را نازل کرد.^{۱۹} بنابراین با وجود تفاوت این آیات با سیاق آیات قبل و بعد، چون به اقتضای حال مخاطب و حتی با حفظ آهنگ و فواصل آیات قبل و بعد ایراد شده است؛ عین فصاحت و بلاغت شمرده می‌شود.^{۲۰} پس کلام قرآن، کلامی فصیح و بلیغ است که ناظر به اوضاع و احوال مخاطب نازل شده است.

۳-۲-۲. نقلی: دسته‌ای از آیات قرآن این ادعا را ثابت می‌کنند:

۳-۲-۲-۱. آیات دال بر هدف نزول قرآن

بنابر دلالت آیاتی از قرآن، نزول قرآن بر پایه اهدافی چون هدایت مردم،^{۲۱} تبشیر و انذار،^{۲۲} ایجاد حکومت الهی،^{۲۳} ارائه استدلال و برهان در راه هدایت مردم،^{۲۴} تذکر و یادآوری،^{۲۵} تبیین اختلافات،^{۲۶} تبیان و پرده برداری از پیچ و خم‌های راه هدایت،^{۲۷} تثبیت مؤمنان،^{۲۸} تدبیر در آیات و پندگیری،^{۲۹} تعقل و اندیشه،^{۳۰} خروج مردم از ظلمات به سوی نور،^{۳۱} تعلیم توحید به مردم،^{۳۲} شفای دلها،^{۳۳} دعوت به تقوا،^{۳۴} قیام به عدالت^{۳۵} است و روشن است که تحقق این اهداف، مستلزم تجانس و هم‌آوایی واژگان قرآن با فهم متعارف مخاطبان آن است.^{۳۶} در غیر این صورت مردمی که زبان قرآن را نمی‌فهمند، چگونه قرآن می‌تواند آنها را از دام تاریکی‌ها برهاند و به بارگاه نور و هدایت درآورد.

از این رو ضروری است تا واژگان و مفردات، آیات و سوره‌های قرآن در بستر آن جامعه معنا شوند تا به فهم درست و کاملی از قرآن دست یابیم. این پدیده، اهمیت و جایگاه موضوع فضای نزول را روشن نموده و ضرورت تبیین آن را در فهم مفردات و واژگان قرآنی پدیدار می‌کند. بنابراین، ضروری است که نخست فضای نزول هر واحد نزول کشف شود و سپس در سایه این فضا، مفردات، واژگان و آیات آن معنا شوند.

۳-۲-۳. ارتباط و پیوستگی معنادار مفاهیم و محتوای سوره و وحدت غرض آنها

همانگونه که در پیش گذشت، سوره‌ها و واحدهای نزول قرآن به ترتیب و چیشی هدفمند و ناظر به اوضاع و احوال سه گروه ویژه پیامبر، مسلمانان و مخالفان نازل می‌شده است. از آنجا که هر سوره و واحد نزول در پی رسیدن به مقصود و غرضی خاص نزول می‌یافته‌اند؛ چیدمان آن به گونه‌ای بوده که بتواند مقصود مطلوب را تأمین کند. از این رو هر یک از سوره‌های قرآنی به گونه‌ای چیده شده که اغراض و اهداف خاصی را تأمین می‌کنند. پیوستگی و هماهنگی این چیدمان به حدی است که به مجرد تکمیل آن، رسالت و هدف مشخص سوره نیز خاتمه می‌یابد، تا به

دنبالش رسالت و هدف جدیدی مطرح شود و سوره بعدی، آن رسالت و پیام و هدف را به دوش کشد.^{۳۷}

پیوستگی و ارتباط معنادار آیات یک سوره و یک واحد نزول با یکدیگر حاکی از آن است که آن سوره و واحد نزول، ناظر به یک غرض و بر محوریت یک موضوع کلی نازل شده است. چون قرآن کتاب هدایت است، این موضوع و محور کلی ناظر به هدایت و راهنمایی جامعه نزول خواهد بود که با دقت در مفاهیم و موضوعات سوره مورد نظر و استفاده از دیگر قرائن خارجی، می‌توان فضای نزول آن سوره را کشف نمود. پس ضرورت کشف پیوستگی معنادار آیات هر سوره جهت تبیین و تفسیر دقیق سوره، کشف فضای نزول را ضروری می‌سازد؛ زیرا کشف پیوستگی آیات تنها با کشف قرائن لفظی، اسلوبی و معنایی به دست می‌آید و کشف این قرائن به ویژه قرائن معنایی، گاه تنها در سایه کشف فضای نزول نمودار می‌شود و بدون توجه به فضای نزول سوره نمی‌توان این پیوستگی‌ها و ارتباطات را کشف کرد. چنانچه علامه طباطبایی در تفسیر بسمله در سوره حمد بدین موضوع اشاره کرده و هر سوره از قرآن را یک ساختار و بسته هدفمند دانسته که آیات آن دارای ارتباط و پیوستگی خاصی است. این ارتباط تنها میان آیات هر سوره دیده می‌شود و بین آیات یک سوره با سوره دیگری مشاهده نمی‌شود.^{۳۸}

۳-۲-۴. امکان کشف ترتیب نزول سوره‌های قرآن به روش علمی و معتبر

نزول سوره‌ها و واحدهای نزول به گونه‌ای هدفمند، منطقی و متناظر با اوضاع عصر نزول بوده است و خداوند، نزول وحی بر پیامبر را به گونه‌ای چیده است که بتواند با وضعیت حاکم بر جامعه و در نظر گرفتن وضعیت شخص پیامبر به عنوان عضوی از اعضای جامعه نزول به مقصود و هدف مطلوب دست یابد.

ارتباط و تعامل قرآن با فضا و جامعه نزول برآمده از خود آیات قرآن و روایات معصومین علیهم السلام است و نتیجه‌ای است که عقل از رسالت و مسئولیت قرآن می‌گیرد.



کتاب قرآن به عنوان نسخه جامع و مانای هدایت و تربیت بشریت، نخستین و مهمترین رسالت و مسئولیت آن، هدایت و تربیت است. از همین روست که به صورت تدریجی نازل شده است تا به اندازه کشش و ظرفیت مردم، معارف و رهنمودهای خود را ارائه دهد تا این آیات و معارف در حد قرائت و تلاوت نماند و پایش به جرگه عمل و رفتار نیز باز شود. اگر قرآن چون تورات یکباره و یکجا نازل می شد به سرنوشت تورات دچار می شد که تا خدا کوه را بر سر یهود معلق نکرد، حاضر به قبول آن نشدند.^{۳۹}

از آنجا که هدایت و تربیت قرآنی، نخستین بار بر جامعه نزول آن قرار گرفته است، ارتباط و تعامل آن در مرحله نخست با جامعه نزول، اجتناب ناپذیر است. نسخه قرآن با وجود جامعیت و جاودانگی اش به گونه ای پیچیده شده که جامعه نزول را پوشش داده و کاملترین نسخه شفابخش آن جامعه را به خود اختصاص داده است. در حقیقت قرآن بیان کننده موضع خداوند در برابر جامعه نزول است و پاسخی است از جانب خداوند جهت هدایت و راهنمایی آن جامعه به منزل مقصود و قله کمال بندگی. این جامعه است که با پذیرش این نسخه و عمل به دستورات و سفارشات آن می تواند بدین مرتبه دست یابد و بر بلندای مطلوب فراز آید.

پس ارتباط قرآن با فضای نزول، یک ارتباط و تعامل هدایتی و تربیتی است که در برابر حوادث و اتفاقات جامعه، دسته ای از آیات (یک واحد نزول) نازل می شده و جامعه را به راه درست و کمال خویش رهنمون می ساخته است. تأثیرات فضای نزول بر قرآن عبارتند از: زبان عربی قرآن متناسب با زبان عربی جامعه نزول ﴿بَلِسَانَ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ﴾، (شعراء: ۱۹۵) ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رُسُولٍ إِلَّا بَلِسَانَ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾، (ابراهيم: ۴) ﴿قُرْآنًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عِوَجٍ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ﴾، (زمر: ۲۸) بکارگیری واژگان و عبارات مرسوم جامعه نزول، استفاده از قالب های بلاغی مرسوم، به کارگیری آهنگ و موسیقی در آیات که در کلام عرب رایج و متداول بود؛ ارائه گزارشهایی از فضای نزول و اوضاع و شرایط جامعه نزول و رعایت سطح و افق فکری آنها.^{۴۰} پس می توان اندازه تأثیرات قرآن از اوضاع و احوال زمان

نزول و مخاطبان نخستش را به صورت قاعده‌ای اینگونه تعریف کرد: هر آنچه با زبان قوم ارتباط دارد مانند بایسته‌های سخن در چینش واژگان، رعایت فنون روانی و رسایی و شیوایی فضای سخن و امثال اینها را قرآن به صورت طبیعی، ناگزیر از رعایت آن‌هاست؛ اما آنچه به غنای محتوایی آن باز می‌گردد، نظیر معارف و حیانی و آن سویی، هیچ‌گونه تأثیری از فرهنگ قوم نپذیرفته است.^{۴۱}

بر این اساس، قرآن در سخن گفتن از شیوه‌های محاوره بین تمام انسان‌ها بهره گرفته است. نوع معیارهای سخن بین زبان‌ها مشترک است. مانند اینکه در سخن گفتن برای رساندن مقصود از برهان، موعظه، جدل، استعاره، تمثیل، تشبیه، قسم، نفرین، رعایت دانش مخاطب و فضای سخن، توصیف و مبالغه کمک گرفته می‌شود. قرآن هم از این شیوه‌ها کاملاً بهره گرفته است. با این تفاوت که آن نوع محورها که در ساختار سخن از جهت روانی و شیوایی و رساندن محتوا تأثیر داشته است و موجب کاستی و نقص در مقصود یا ساختار سخن نمی‌شده است، آنها را به کار گرفته است؛ اما از محورهایی که سبب کاستی و نواقص در ساختار ظاهر سخن یا در محتوای آن می‌شده، به نوعی موجب کذب مدعا یا بی تفاوتی به موضوع باطل و امثال این‌ها می‌شده؛ فاصله گرفته است.^{۴۲}

بنابراین ارتباط قرآن و تأثیرپذیری آن از فضا و جامعه نزول در همین حد است که قرآن الفاظ و عبارات خود را به زبان و بیانی می‌آورده که برای آنها مفهوم باشد ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رُسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ...﴾ (ابراهیم: ۴) همچنین اوضاع و شرایط آن زمانه را که در پیشبرد یا پسبرد دین اسلام دخیل بوده‌اند؛ گزارش کرده است.

البته پذیرش تعامل و ارتباط قرآن با عصر و جامعه نزول این اشکال را به ذهن می‌رساند که چگونه می‌تواند قرآن هم با عصر نزولش در تعامل باشد و هم کتابی جاودانه و مانا بماند؟! با توجه به آنچه گذشت؛ این اندازه تأثیرپذیری قرآن از عصر و جامعه نزول نمی‌تواند مانع از جاودانگی قرآن و محدودیت قرآن به جامعه نزول باشد. بلکه پدیده تأثیرپذیری قرآن از جامعه نزول در کنار جاودانگی و مانایی قرآن خود وجهی از وجوه اعجاز قرآن بوده که با وجود ارتباط

و نظارت بر فضا و جامعه نزول توانسته است مانایی و جاودانگی خود را نیز حفظ کند و به جامعه و دوره نزول محدود نشود.

از این رو غزالی در حل این تناقض ابتدایی میان محدودیت و مانایی قرآن می‌گوید: جامعه‌ای که قرآن در آن نازل شد و دورانش سپری شده، یک جامعه بشری است و حالتهای آن نیز جلوه‌ای از حالتهای رویارویی بشریت در طول زمان تا پایان حیات و زندگی است. و حکم کردن در مورد هر یک از این جلوه‌ها و تصاویر، به طور طبیعی یک حکم ممتد است؛ زیرا این حکم فقط برای این تصویر و جلوه نیست؛ بلکه با هر تصویر دیگری که تا روز قیامت مشابه آن باشد، تجدید می‌شود و جاودانگی قرآن از همین جا ناشی می‌شود.^{۴۳} بشریت در طول زمان همواره از حالتهای انسانی که در طول یک ربع قرن، رسالت حضرت محمد صلی الله علیه و آله مشاهده کردیم، تهی نخواهد بود. در این بیست و اندی سال، نمونه‌های مختلفی از کردار دشمنان و کینه توزان و یا دوستی، محبت و احساسات انسانی چه در حالت استقرار و چه در زمان هجرت مشاهده شد. خلاصه همه حالتهایی که هر انسانی در زمانهای مختلف با آن روبرو می‌شود، در آن دوره امکان ظهور یافت. نمونه‌های مختلفی در اطراف پیامبر صلی الله علیه و آله وجود داشتند، گویی نمونه انسانهایی هستند که از عالم غیب و آینده مأمور شده‌اند تا آنچه را بشریت در آینده دور و نزدیک بدان نیازمند است؛ بشنوند و ببینند و شاید این راز رسالت انسانی اسلام باشد.^{۴۴}

پس می‌توان گفت هم فضای نزول سوره، مقتضای نزول سوره بود و هم نزول سوره، فضای موجود را دگرگون می‌ساخت.^{۴۵} یعنی فضای نزول وضعیت موجود جامعه نزول را نشان می‌دهد و هر سوره از قرآن جهت تغییر وضعیت موجود (فضای نزول) نازل شده است. بنابراین هر سوره از قرآن با هدف تغییر وضعیت موجود، نشان دهنده وضعیت مطلوب است و فضای نزول نشان دهنده وضعیت موجود جامعه نزول است.

دسته‌ای از آیات، قرآن را مایه هدایت و وسیله راهنمایی و نورانیت معرفی می‌کنند. ابن آیات عبارتند از: ﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾، (بقره: ۲) ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ﴾، (بقره: ۱۸۵) ﴿وَلَقَدْ جِئْنَاهُمْ بِكِتَابٍ فَضَّلْنَاهُ عَلَىٰ عِلْمٍ هُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾، (اعراف: ۵۲) ﴿هُدًى وَبُشْرَىٰ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾، (نمل: ۲) ﴿هُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ﴾، (لقمان: ۳) ﴿... قُلْ هُوَ الَّذِي آمَنُوا هُدًى وَ شِفَاءٌ ...﴾ (فصلت: ۴۴)

این آیات همه به روشنی این حقیقت را باز می‌گویند که قرآن برای راهنمایی و هدایت نازل شده است. بنابراین رسالت کتاب قرآن به سان دیگر کتب الهی، هدایت و راهنمایی جامعه است و این رسالت، پایه اصلی و اساسی ارتباط قرآن با جامعه مخاطبش در هر دوره به ویژه با مردم جامعه نزول به عنوان نخستین مخاطبش به شمار می‌رود که دیگر شاخه‌های ارتباطی قرآن همه بر پایه همین ارتباط تعریف می‌شوند. اهمیت و جایگاه مسئله هدایت و تربیت در قرآن تا بدان جاست که می‌توان گفت: هدایت، قرآن است و قرآن همان هدایت است.^{۴۶}

ائمه و معصومین علیهم السلام نیز قرآن را مایه هدایت و راهنمایی مردم معرفی کرده‌اند. شیخ کلینی رحمه الله در کتاب الکافی روایات گوناگونی را در رسالت هدایتی قرآن گزارش کرده است که به دو مورد از آن اشاره می‌شود:

محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد، عن محمد بن أحمد بن یحیی، عن طلحة بن زید، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إن هذا القرآن فيه منار الهدى ومصابيح الدجى فليجل جال بصره ويفتح للضياء نظره فإن التفكير حياة قلب البصير، كما يمشى المستنير فى الظلمات بالنور؛^{۴۷} امام صادق عليه السلام فرمودند: قرآن روشنایی بخش راه هدایت و چراغ در گمراهی هاست. پس هر انسان

تیزیابی باید در آن دقت کند و نگاهش را به سوی نورش بگشاید؛ زیرا تفکر، قلب انسان بینا را زنده می‌کند؛ همانگونه که روشن ضمیر در تاریکی‌ها به وسیله نور حرکت می‌کند.

أبو علی الاشعری، عن بعض أصحابه، عن الخشاب، رفعه قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: القرآن هدى من الضلالة وتبيان من العمى واستقالة من العثرة ونور من الظلمة وضيء من الاحداث وعصمة من الهلكة ورشد من الغوايه وبيان من الفتن و بلاغ من الدنيا إلى الآخرة وفيه كمال دينكم وما عدل أحد عن القرآن إلا إلى النار.^{۴۸}

امام صادق علیه السلام به نقل از پیامبر صلی الله علیه وآله فرمودند: قرآن مایه هدایت از گمراهی، بینایی از نابینایی، جلوگیری از برخورد، مایه نورانیت در تاریکی، روشنایی در دشواری‌ها، جلوگیری از هلاکت، هدایت از گمراهی و وسیله رسیدن به راه درست و جلوگیری از افتادن در راه نادرست، بصیرت زایی در فتنه‌ها و رسیدن از دنیا به آخرت است. بنابراین کمال دین شما در قرآن است و کسی از قرآن روی برنگرداند؛ مگر این که به سوی آتش پیش رود.

در این روایت نیز امام صادق علیه السلام به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله قرآن را مایه هدایت از گمراهی‌ها و روشنایی در تاریکی‌ها می‌دانند. بنابراین روایات نیز که از زبان راستگویان بی دروغ برآمده است؛ رسالت هدایتی و راهنمایی قرآن را به عنوان نخستین و مهمترین رسالت قرآن معرفی کرده‌اند.

بنابر آنچه گذشت، قرآن با جامعه نزولش در تعامل و ارتباط است. در تأیید این ادعا می‌توان به ویژگی حکیم بودن خداوند اشاره کرد. از آنجا که چیدمان نزول وحی بر پیامبر، فعل خداوند بوده و به حکم عقل، فعل خداوند حکیم از هر گونه بیهودگی و ناهدفمندی دور است، پس ترتیب نزول سوره و واحدهای نزول قرآن نیز کاری هدفمند و متناسب با شرایط جامعه نزول بوده است. این چیدمان، اگر چه به صورت کامل، قطعی و یقینی به ما نرسیده است؛ ولی از طریق روایات ترتیب نزول و اسباب نزول و دقت در محتوای سوره قابلیت کشف و رونمایی را دارد. وجود امکان کشف ترتیب نزول خود می‌تواند ابزاری برای کشف فضای نزول سوره باشد؛ زیرا یکی از عناصر مطرح شده در فضای نزول سوره، کشف فضای زمانی سوره و ارتباط سوره با

یکدیگر است که این سور در چه زمان و دوره‌ای نازل شده است و ارتباط و پیوند میان آنها چیست؟ و از همین روست که در بحث تطبیقی فضای نزول، پای ترتیب نزول سوره مورد نظر به میدان بحث باز می‌شود و این دو موضوع با یکدیگر پیوند می‌خورند. بنابراین امکان کشف ترتیب نزول، کشف فضای نزول را ممکن می‌سازد و ممکن بودن آن را تأیید می‌کند.

۳-۲-۵. امکان تاریخ گذاری سوره‌های قرآن به روش علمی و معتبر

تاریخ گذاری قرآن عبارت از این است که به کمک روایات مختلف مکی و مدنی، اسباب نزول، ترتیب نزول، ناسخ و منسوخ، و تاریخ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و بهره‌گیری از تلویحات یا تصریحاتی که در قرآن راجع به رویدادهای زمان مند تاریخ رسالت آن حضرت نظیر شروع دعوت علنی، شکست روم، جنگ بدر و جنگ تبوک وجود دارد، زمان و ترتیب تاریخی هر یک از واحدهای نزول قرآن - اعم از یک سوره تمام یا بخشی از یک سوره - شناسایی و معین گردد.^{۴۹}

با توجه به این تعریف، کار تاریخ گذاری سور و واحدهای نزول قرآن از امور ممکن است؛ زیرا بسیاری از روایات مورد نیاز چون روایات مکی و مدنی، اسباب نزول، ترتیب نزول، ناسخ و منسوخ و روایات سیره پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به ما رسیده است؛ همچنین چندی از آیات قرآن که آیات تاریخ دار و زمان دار نامیده می‌شوند، دلالت روشن و مستقیم بر تعیین تاریخ نزول سوره دارند.

تاریخ گذاری سوره‌های قرآن نخستین گام و مرحله نخستین کشف فضای نزول است؛ زیرا با کشف تاریخ نزول سوره می‌توان دوره نزول سوره را کشف کرد و درباره فضای جامعه آن دوره کار مطالعه و بررسی را آغاز نمود و هر چه کشف تاریخ نزول به صورت دقیق تر انجام گیرد، کشف فضای نزول نیز دقیق تر انجام خواهد گرفت. پس امکان کشف تاریخ نزول سور، امکان کشف فضای نزول سور را در پی دارد و کشف آن را ممکن می‌سازد.

البته ناگفته نماند که تعیین تاریخ دقیق نزول سور از مسائل سخت و دشواری است که به دلایل و قرائن نقلی و روایی محکم نیاز دارد؛ ولی باید گفت تعیین دقیق تاریخ نزول سور در کشف فضای نزول لازم و ضروری نیست؛ بلکه برای کشف فضای نزول، تخمین سال و دوره نزول آن کافی است.

نتیجه گیری:

فضای نزول از اصطلاحات و موضوعات قرآنی است که در دسته موضوعات شأن نزول جای می‌گیرد. این موضوع را می‌توان با اثبات موضوعات بنیادین قرآنی چون «نزول تدریجی قرآن»، «زبان عرفی قرآن»، «ارتباط و پیوستگی معنادار مفاهیم و محتوای سور و وحدت غرض آنها»، «امکان کشف ترتیب نزول سوره‌های قرآن به روش علمی و معتبر» و «امکان تاریخ گذاری سوره‌های قرآن به روش علمی و معتبر» پذیرفت و موجودیت آن را به اثبات رساند.

پی نوشت‌ها:

۱. معین، محمد، فرهنگ معین، ۳/۳۷۷۷.
۲. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ۱۲/۱۷۷۵۸.
۳. رضایی اصفهانی، محمدعلی، منطق تفسیر قرآن(۱) مبانی و قواعد تفسیر قرآن، ۱/۱۱۵.
۴. مؤدب، سیدرضا، مبانی تفسیر قرآن، ۲۴.
۵. ن.ک: عیاشی، محمد بن مسعود، التفسیر العیاشی، ۱/۲۸۸؛ ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، ۱/۱۹۷.
۶. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۵/۲۰۹.
۷. همان، ۱۵/۲۱۲.
۸. عاملی، سید جعفر مرتضی، حقایق مهم پیرامون قرآن، ۱۱۲.
۹. ابوزید، نصر حامد، مفهوم النص دراسته فی علوم القرآن، ۷۵.
۱۰. شوکانی، محمد، فتح القدیر، ۳/۲۶۵.
۱۱. نکونام، جعفر، درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن، ۵۷.
۱۲. احمدی، حبیب الله، پژوهشی در علوم قرآن، ۲۳۷.
۱۳. دامن پاک مقدم، ناهید، بررسی نظریه عرفی بودن زبان قرآن، ۱۵۰.
۱۴. همان، ۱۵۱.
۱۵. همان، ۱۵۲.
۱۶. طاهرخانی، جواد، بلاغت و فواصل قرآن، ۶۸-۶۷.
۱۷. همان، ۷۵.
۱۸. عظیم زاده، فائزه، نگرشی نوین بر تاریخ و علوم قرآنی، ۲۱۹.
۱۹. بخاری، محمد، صحیح البخاری، ۶/۷۶.
۲۰. نکونام، جعفر، درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن، ۷۴.
۲۱. ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ...﴾ (بقره: ۱۸۵)؛ ﴿يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَ يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَ يَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (مائده: ۱۶)
۲۲. ﴿كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ...﴾ (بقره: ۲۱۳)؛ ﴿لَتَنْذِرَنَّهُمْ قَوْمًا مَا أُنذِرَ آبَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ﴾ (یس: ۶)؛ ﴿فِيمَا لِيُنذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا مِّن لَّدُنْهُ وَ يُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ...﴾ (كهف: ۲)
۲۳. ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَ لَا تَكُنَ لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا﴾ (نساء: ۱۰۵)
۲۴. ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا﴾ (نساء: ۱۷۴)



- ۲۵. ﴿إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ﴾ (تکویر: ۲۷)؛ ﴿وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾ (زمر: ۲۷)
- ۲۶. ﴿وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ (نحل: ۶۴)
- ۲۷. ﴿... وَ أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً وَ بُشْرَى لِّلْمُسْلِمِينَ﴾ (نحل: ۸۹)؛ ﴿بِالْبَيِّنَاتِ وَ الزُّبُرِ وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (نحل: ۴۴)
- ۲۸. ﴿قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ هُدًى وَ بُشْرَى لِّلْمُسْلِمِينَ﴾ (نحل: ۱۰۲)
- ۲۹. ﴿كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَ لِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ (ص: ۲۹)
- ۳۰. ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ (يوسف: ۲)
- ۳۱. ﴿كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ﴾ (ابراهيم: ۱)
- ۳۲. ﴿هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ وَ لِيُنذِرُوا بِهِ وَ لِيَعْلَمُوا أَنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَ لِيَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ (ابراهيم: ۵۲)
- ۳۳. ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾ (يونس: ۵۷)
- ۳۴. ﴿قُرْآنًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عِوَجٍ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ﴾ (زمر: ۲۸)
- ۳۵. ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَ أَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...﴾ (حديد: ۲۵)
- ۳۶. سعیدی روشن، محمد باقر، تحلیل زبان قرآن، ۲۲۹.
- ۳۷. معرفت، محمدهادی، تناسب آیات، ۳۱-۳۲.
- ۳۸. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱/۱۶.
- ۳۹. همان، ۱۳/۲۲۱.
- ۴۰. ن.ک: عارفیان، عبدالحمید، مقاله «جاودانگی قرآن و حقیقت وحی».
- ۴۱. احمدی، حبیب الله، پژوهشی در علوم قرآن، ۲۴۰.
- ۴۲. دامن پاک مقدم، ناهید، بررسی نظریه عرفی بودن زبان قرآن، ۱۲۴.
- ۴۳. غزالی، محمد، تعامل روشمند با قرآن کریم، ۸۷.
- ۴۴. همان، ۸۸.
- ۴۵. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، ۱/۲۳۶.
- ۴۶. ن.ک: جوادی آملی، عبدالله، هدایت در قرآن، ۱۶.
- ۴۷. کلینی، محمد، الکافی، ۲/۶۰۰.
- ۴۸. همان، ۶۰۰-۶۰۱.
- ۴۹. نکونام، جعفر، درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن، ۲.

منابع:

الف) کتاب‌ها

۱. ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، بيروت، دار صادر، بی تا.
۲. ابو زید، نصر حامد، مفهوم النص دراسة في علوم القرآن، المركز الثقافی العربی، بیروت، ۲۰۰۰م.
۳. احمدی، حبیب الله، پژوهشی در علوم قرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۶ش.
۴. بخاری، أبی عبد الله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم ابن المغیره بن بردزبه، صحیح البخاری، بیروت، دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۰۱ق - ۱۹۸۱م.
۵. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، قم، اسراء، ۱۳۸۵ش.
۶. جوادی آملی، عبدالله، هدایت در قرآن، تهران، رجا، ۱۳۷۲ش.
۷. دامن پاک مقدم، ناهید، بررسی نظریه عرفی بودن زبان قرآن، تهران، نشر تاریخ و فرهنگ، ۱۳۸۰ش.
۸. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ش.
۹. رضایی اصفهانی، محمدعلی، منطق تفسیر قرآن(۱) مبانی و قواعد تفسیر قرآن، قم، جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۸۷ش.
۱۰. سعیدی روشن، محمد باقر، تحلیل زبان قرآن، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی - موسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۳ش.
۱۱. شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدير الجامع بين فنی الروایة والدرایة من علم التفسیر، بی جا، عالم الکتب، بی تا.
۱۲. طاهرخانی، جواد، بلاغت و فواصل قرآن، تهران، جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۳ش.
۱۳. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعهی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
۱۴. عاملی، سید جعفر مرتضی، حقایقی مهم پیرامون قرآن، ترجمه سید حسن اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۷ش.
۱۵. عظیم زاده، فائزه و دیگران، نگرشی نوین بر تاریخ و علوم قرآنی، تهران، بنیاد قرآن، ۱۳۸۰ش.

۱۶. عیاشی سلمی سمرقندی، محمد بن مسعود، التفسیر العیاشی، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، المكتبة العلمية الاسلامية، بی تا.
۱۷. غزالی، محمد، تعامل روشمند با قرآن کریم، ترجمه علی اصغر محمدی سیجانی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹ ش.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۳۶۵ ش.
۱۹. مؤدب، سیدرضا، مبانی تفسیر قرآن، قم، دانشگاه قم، ۱۳۸۶ ش.
۲۰. معرفت، محمدهادی، تناسب آیات، ترجمه عزت الله مولائی نیا همدانی، قم، بنیاد معارف اسلامی، ۱۳۷۳ ش.
۲۱. معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۵ ش.
۲۲. نکونام، جعفر، درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن، تهران، نشر هستی نما، اول، ۱۳۸۰ ش.
- (ب) مقاله‌ها
۱. عارفیان، عبدالحمید، «جاودانگی قرآن و حقیقت وحی»، پژوهشهای قرآنی، شماره ۳۵ - ۳۶، پاییز و زمستان ۱۳۸۲.